

آینده‌پژوهی تحول هویت اجتماعی زنان در نهاد دانشگاه (با استفاده از رویکرد تحلیل لایه‌ای علی)

ندا خداکرمیان گیلان محسن نیازی^۲

چکیده

آینده‌پژوهی شامل مجموعه تلاش‌هایی است که با جستجوی منابع، الگوها، و عوامل تغییر یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آن‌ها می‌پردازد. آینده‌پژوهی بازتاب‌دهنده چگونگی زایش واقعیت «فردا» از دل تغییر «امروز» است. توسعه مراکز آموزش عالی، تقاضا و رقابت را برای حضور زنان در دانشگاه و تحول هویت اجتماعی آنان فراهم می‌سازد. نهاد دانشگاه باعث شده که بازاندیشی در هویت زنان صورت گیرد و هویت آنان دائماً در حال ساخته شدن است. هدف این پژوهش، آینده‌پژوهی تحول هویت اجتماعی زنان در نهاد دانشگاه است که تا کنون پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته است. لذا به لحاظ موضوعی و رویکرد حاکم بر آن نوآورانه است. جامعه‌ی آماری پژوهش خبرگان حوزه جامعه‌شناسی و کارمندان دانشگاه بود. حجم نمونه ۱۸ نفر و ابزار گردآوری داده‌های مصاحبه بودند. بعد از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها به کمک روش تحلیل تماتیک، تم‌های اصلی و فرعی مصاحبه‌ها استخراج گردید و سپس با کاربست تحلیل لایه‌ای علی، مولفه‌ها و ابعاد آن‌ها در ۴ سطح لیتانی، علل اجتماعی، گفتمان و اسطوره شناسایی شدند. یافته‌های پژوهش با استفاده از این ۴ سطح نشان می‌دهند فضای دانشگاه باعث شده که زنان به طور مداوم به بازاندیشی در هویت خود بپردازند و این امر در آینده هم ادامه دارد. زنان با استفاده از گفتمان‌های مختلف در برابر نابرابری که بین زن و مرد وجود دارد، مقاومت می‌کنند و با ادامه مقاومت آنان، در آینده برابری زن و مرد تبدیل به امری عادی می‌شود. در دانشگاه ساختارهای معنایی زنان تغییر کرده و زنان فعالیت خود را در عرصه اجتماعی افزایش می‌دهند که در این امر فرآیند مدرنیته تاثیر زیادی داشته است.

واژگان کلیدی: آینده‌پژوهی، هویت اجتماعی، زنان، تحلیل تم، مراکز آموزش عالی.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (n.khodakaramian.g@gmail.com) (نویسنده مسئول)

۲. استاد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (niazim@kashanu.ac.ir)

آموزش عالی از جمله ساختارهای نهادی است که زنان در فضای آن نه تنها از آن تأثیر می‌پذیرند بلکه بر آن نیز تأثیر می‌گذارند. ساختار دانشگاهی عملکردهای اجتماعی بین کنشگران را بازتولید کرده است، در این زمینه نمی‌توان نقش زنان را نادیده گرفت. زنان با استفاده از تجارب در دانشگاه به ساخت خود سازمان‌یافته خویش می‌پردازند. ابداع و نوآوری در هویت با ادامه تحصیلات آغاز می‌شود و مسیر را برای اشتغال آنان فراهم می‌کند. زنان در فضای نقش ترکیبی همسر، مادر، دختر قرار دارند و هویت آنان تلفیق یافته و برگرفته از وجوه ذهنی ارزشی و هنجاری است.

نتایج تعدادی از تحقیقات در زمینه هویت اجتماعی نشان دادند که هویت اجتماعی در بستر نظام‌های فرهنگی شکل گرفته است و شامل هویت دینی، هویت قومی، هویت ملی، هویت گروهی و هویت جنسی می‌شود. در این زمینه باید گفت که میانگین هویت دینی حدود ۱۵ درصد، هویت قومی حدود ۳۵ درصد، هویت ملی حدود ۱۹ درصد، هویت گروهی حدود ۱۳ درصد و هویت جنسی ۱۸ درصد بوده است. در نظام اجتماعی بسترهای اجتماعی عام در ارتباط با ساخت و سازهای انسانی فعال است، لذا میزان تعلق افراد و گروه‌های اجتماعی در بستر فرهنگ نظام اجتماعی، انعکاس‌کننده هویت اجتماعی است. هویت اجتماعی وجه غالب هویتی یا اشتراک شاخه‌های فرهنگی نظام اجتماعی به شمار می‌آید ولی از جهت عملیاتی به ناچار لازم است شاخه‌های هویتی و میزان تسلط یک یا چند هویت در هویت اجتماعی غالب نظام اجتماعی تعیین گردد.

تحقیقات انجام شده در زمینه‌ی هویت اجتماعی زنان را می‌توان به چهار دسته کلی تقسیم می‌شوند: ۱. هویت‌های فردی و اجتماعی زنان (خدایی، ۱۳۸۷؛ تاکی، ۱۳۸۸؛ فریدونی، ۱۳۹۱؛ سروستانی و قادری، ۱۳۸۸)؛ ۲. تحولات هویتی زنان (اون، ۲۰۱۷؛ خامیس، ۲۰۲۰؛ ایساک، ۲۰۲۱)؛ ۳. توانمندسازی زنان در تحصیلات و اشتغال (ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۳۸۳؛ قلی‌پور، اسماعیلی و قلی‌پور، ۱۳۹۸)؛ ۴. هویت اجتماعی زنان در دانشگاه و اشتغال (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۸۷؛ ویلیامز و دیویس، ۲۰۲۱).

مسئله هویت در دهه‌های اخیر به خصوص دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ شمسی، توجه زیادی برانگیخت. برنامه‌های رسمی دولت، تالیفات، پژوهش‌ها و سمینارهای انجام شده در قلمرو موضوع هویت در این دهه‌ها نشان از اهمیت بسیار حیاتی هویت و موضوعات مرتبط با آن است (میمنت‌آبادی، تاجیک اسماعیلی و هاشمی، ۱۳۹۹: ۶۲). زنان در مرکز تمایز و تشابه هویتی قرار دارند (نمازی و فرهمند، ۱۳۹۹: ۳۸). فضای دانشگاه و سایر متعلقات آن که بیشتر موافق تغییر و تحول ویژگی‌های هویتی است، زنان را با ویژگی‌های هویتی جدید آشنا می‌کند و از سوی دیگر بدنه فرهنگ جامعه بزرگ‌تر معمولاً انتظارات با فرهنگ سنتی و عناصر هویتی را می‌آفریند، در بیشتر اوقات دانشگاه منجر به بروز هویت ترکیبی و دورگه می‌شود که با هویت مورد انتظار جامعه متفاوت است (لطف‌آبادی، ۱۳۹۹: ۶). با توسعه دانشگاه‌ها تقاضا و رقابت گسترده زنان برای ورود به بستر هویت مدرن به وجود آمد (علیرضا نژاد، ۱۳۹۷: ۱۰۴). تجربه دانشگاه توانسته است با تغییر موقعیت زنان از خانه و چهارچوب سنتی آن‌ها را به عرصه بیرون هدایت کند. زنان با توجه به گفتمان‌های رایج غالب

در عرصه علم و اشتغال که اغلب برای آن‌ها منجر به عرصه کشمکش و سردرگمی می‌شوند؛ همواره با چالش‌های هویتی متعددی رو به رو هستند که ناشی از نقش‌ها و هویت جدید است. بنابراین شناخت هویت اجتماعی زنان در بستر هویت ضرورت دارد.

رهیافت جامعه‌شناختی

از دیدگاه جامعه‌شناختی هویت را می‌توان از منظر مکاتب کارکردگرایی، کنش متقابل نمادین و مکتب انتقادی مورد مطالعه قرار داد. کارکردگرایان هویت را این گونه تعریف می‌کند: هویت عبارت است از آن چه که باعث تشخیص افراد و گروه‌ها از یکدیگر می‌شود. به این معنی که افراد به وسیله یک سری مشخصات ثابت خود را معرفی کرده و آن را وجه تمایز خود از دیگران می‌دانند. پیروان مکتب کارکردگرایی معتقدند که افراد برای اثبات برتری گروه خود به مقایسه گروه خود با گروه بیگانه می‌پردازند.

از نظر هنری تاجفل، هویت افراد از عضویت آنان در گروه‌های خاص شکل می‌گیرد. این نظریه در صدد اثبات این قضیه است که افراد در بسیاری موارد سعی می‌کنند خود را با مشخصه‌های اجتماعی مقوله‌بندی کنند و نه مشخصه‌های شخصی و همین موضوع یعنی مقوله‌بندی فرد با مشخصه‌های اجتماعی باعث ایجاد درون گروه مشابه و برون گروه متفاوت می‌شود (استفنز و همکاران، ۲۰۲۱: ۳۹؛ پری، ماندل، هال و کیچ، ۲۰۲۱). هویت در این نظریه بر اساس احساس تعلق تعریف می‌شود. یعنی فرد آنهایی را که به آن تعلق دارد به‌عنوان درون گروه و آنهایی را که بدانها متعلق نیست، تحت عنوان برون گروه می‌شناسد و تعصب ناشی از آن باعث شکل‌گیری و حفظ هویت اجتماعی می‌گردد (لوسیدل، ۲۰۲۱: ۱۲۵؛ وای و اسمیت، ۲۰۲۱: ۴۹۰).

تاجفل و ترنر این بحث را پیش کشیدند که دسته‌بندی اجتماعی افراد در این پارادایم، حداقل هویتی اجتماعی برای آنان ایجاد می‌کند (کیانی و نجفی، ۱۳۹۷: ۲۷۸؛ هگر، ۲۰۲۰)؛ به عبارت دیگر، آنان عضویت در دسته اجتماعی مشخص را به‌عنوان تعریف خود پذیرفتند. هویت اجتماعی به‌عنوان جنبه‌ای از خودانگاره شخصی مبنی بر عضویت مفهوم‌سازی شد؛ به این معنا که هویت اجتماعی تعریف شخص از خود است (معروف‌پور و سفیری، ۱۳۹۷). بنابر نظریه تاجفل، هویت اجتماعی به‌عنوان آگاهی فرد از تعلق به یک گروه اجتماعی معین و ارزش و اهمیت عاطفی این عضویت برای فرد مفهوم‌سازی شده است (قلی‌پور و قلی‌پور، ۱۳۹۸: ۱۲۵). اما تعلق به یک گروه معین، فقط در صورتی به مشارکت در یک هویت اجتماعی مثبت می‌انجامد که مشخصات آن گروه بتواند به‌طور جانبدارانه‌ای با دیگر گروه‌ها مقایسه شود. در این مقایسه، افراد به دآوری به نفع گروه خود گرایش دارند (فوکویاما، ۱۳۹۸؛ هیدی، ۲۰۱۱).

پیتر بورک نیز یکی از نظریه‌پردازان کنش متقابل‌گرایی است که به طور جدی به بررسی هویت اجتماعی پرداخته است. اساس تئوری هویت پیتر بورک عبارت است از این که اضطراب‌های اجتماعی، ناشی از هویت‌های نامنظم و جداگانه‌ای

است که تعارض آن‌ها با یکدیگر استرس ایجاد می‌کند (هاگ، ۲۰۲۰: ۱۸۹؛ درستکار، صابری و باقری، ۱۳۹۸). به نظر پیتر بورک، افراد دارای هویتی ثابت نیستند، بلکه با توجه به هر نقشی که در جامعه ایفا می‌کنند، هویت جدید ایجاد می‌یابند. این هویت‌ها ممکن است گسسته یا شکسته و ناقص هستند و تا وقتی که تعارض این هویت‌های ناقص برطرف نشود تعارض و اضطراب اجتماعی باقی می‌ماند.

طرفداران نظریه‌ی انتقادی، معتقدند هویت عامل تغییرات اجتماعی است و هویت از آگاهی‌هایی که افراد از خودشان دارند که گاهی باعث تحولات اساسی می‌شود (متیوز، کریر و اگرمنچیوگلو، ۲۰۲۱: ۷). یکی از نظریه‌پردازان انتقادی که به بحث هویت توجه کرده است، هابرماس است. در نظریه هابرماس بیان شده است هنگامی که کنش‌های دو کنشگر در جامعه با هم هماهنگ نباشند، تعارضات و تضادهایی به وجود می‌آید (ایسک، ۲۰۲۱). به نظر هابرماس لازمه رفع نابرابری‌ها، تعارضات، رسیدن به اجماع عمومی و کنش اجتماعی عام و در نتیجه سازگاری و یگانگی افراد بر سر باورها، ارزش‌ها و هم‌سویی ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تشکیل اجماع عام، وجود آزادی و پرهیز از سلطه برای انجام گفت‌وگویی آزاد و خردمندانه و نیز مشارکت نظری و عملی افراد در حوزه عمومی است (ویلیامز، ۲۰۲۱: ۲۱۷).

هویت در طول زندگی روزمره ساخته می‌شود و افراد هویت خود را برای خود و دیگران نقل می‌کنند. در هویت اجتماعی، امر فردی و جمعی در یک قالب جای می‌گیرند و چهار ویژگی اصلی شباهت، تفاوت، بازتابی بودن و فرآیند در آن وجود دارد (مک لئود، ۲۰۱۸). هویت جنسیتی به عنوان یکی از انواع هویت‌های اجتماعی، نشان می‌دهد که فرد چگونه خود را به عنوان یک فرد و همچنین در ارتباط با دیگران تعریف و متمایز می‌کند (جنکینز، ۱۳۹۱: ویوین‌بر، ۱۳۹۴). در رویکردهای سنتی، درکی ثابت و یکدست از هویت وجود داشت که عمیقاً تحت تاثیر عناصر و مولفه‌های جمعی و گروهی بود، لذا ابعاد فردی هویت چندان متمایز و مجزا از ابعاد جمعی آن قابل فهم نبود (برنارد و اسپنسر، ۲۰۰۲: ۴۴۱). هویت به مثابه یک امر فردی و جمعی برساخته اجتماعی و فرهنگی مانند فضای مناسکی، نظام ارزشی، نظام اساطیری، مذهب و ... تولید و بازتولید می‌شود (ریترز، ۱۳۹۳: ۵۷۶). همچنین عوامل موثر در ساختن هویت به عنصر زمان، تاریخ، ملیت، دین، مدرنیته، مکان و عناصر فرهنگی مانند: زبان، سنت و عرف اجتماعی بستگی دارد. زنان در نهاد دانشگاه مجموعه‌ای از عناصر هویت را بر می‌سازند. هر کدام از این عناصر در ترکیب متفاوت هستند. بخش زیادی از زنان در نهاد دانشگاه دارای هویت با ابعاد مختلف هستند و طبق وزن هر کدام از این ابعاد، سازه هویتی آنان رنگ و بوی خاصی خواهد داشت. اما به دلیل تغییرات فردی و جمعی، هویت آنان، هویتی ثابت نبوده و در حال تغییر است. بنابر آنچه گفته شد، در این پژوهش تغییر نگرش در زنان و تغییر هویت آنان در بستر آموزشی مورد بررسی قرار می‌گیرد. پژوهش حاضر به شناخت چند هویتی شدن زنان با تکیه بر بازاندیشی هویت مدرن و صورت‌بندی جدید در برساخت هویت است. با این پیش‌فرض در فرآیند اجتماعی هویت‌یابی مدرن، ساختار هویتی هیچگاه یکدست نخواهد بود؛ بنابراین در این پژوهش به تحلیل و بررسی مسئله هویت زنان خواهیم پرداخت.

پیشینه‌ی پژوهش

لیوی و کوادر (۲۰۱۸) پژوهشی با عنوان *هویت و جنسیت در تحولات فرهنگی: بازگشت به خانه از آموزش عالی، به عنوان "مهاجرت داخلی" در بین زنان بادیه‌نشین در اسرائیل* انجام دادند. در این پژوهش از روش کیفی و مصاحبه برای انجام پژوهش استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهند که زنان در دانشگاه با ارزش‌ها و هنجارهای متفاوت با فرهنگ اصلی خود قرار دارند. بر این اساس در طی مسیر هویت خود را تغییر می‌دهند؛ این هویت نتیجه‌ی برخورد و مواجهه آن‌ها با دنیایی که برای آنان ناآشنا است، اتفاق می‌افتد.

کتینگ و کینیک (۲۰۱۹) پژوهشی با عنوان *بازتاب هویت سازمانی مبتنی بر نظریه هویت اجتماعی بر ادراک بیگانگی در آموزش عالی* انجام دادند. در این پژوهش از روش کمی و نرم افزار SPSS استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهند که در مراکز آموزش عالی جنسیت بر بیگانگی تأثیر قابل توجهی دارد و در فضای دانشگاه زنان بیشتر از مردان احساس بیگانگی می‌کنند. هنگامی که هویت فرد قوی‌تر باشد، احساس بیگانگی کمتری می‌کند. اما در فضای دانشگاه هویت افراد تغییر می‌کند و افراد دچار از خودبیگانگی می‌شوند.

حاجیانی و ایروانی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان *آینده پژوهی هویت ملی ایران در افق زمانی ۱۴۰۷* انجام دادند. روش‌های دلفی، مصاحبه، پویش محیطی، تحلیل تأثیر متقاطع و سناریو نویسی از تکنیک‌های آینده پژوهی هستند که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که مقاله شامل سناریوهای سه‌گانه خوش‌بینانه، میانه و بدبینانه است و نشان می‌دهد که هویت مدرن، توسعه و کارآمدی و تساهل و مدارا، عدم قطعیت‌های کلیدی تأثیرگذار بر هویت ملی ایران در ده سال آینده است. از نظر خبرگان مشارکت‌کننده وقوع سناریوی میانه محتمل‌تر است.

رحمانی و طیبی‌نیا (۱۳۹۷) پژوهشی تحت عنوان *فرایند تحول هویت اجتماعی زنان در تجربه گفتمانی نهاد دانشگاه (مورد مطالعه: زنان متاهل، شاعل و دانشجو)* انجام دادند. روش این پژوهش مردم‌نگاری است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که پیامد تحصیلات عالی برای زنان در حین انجام وظایف سنتی و خانه‌داری، کسب مهارت و بینش‌های متفاوت از گذشته و نظام فکری و ارزشی نو و ترکیبی از نقش‌های سنتی و جدید است؛ این امر منجر به برساخت هویتی تلفیق شده با خصلت فردگرایی خودمدار و بازاندیش در دوساختار اولیه و ثانویه شده است.

مطالعات اندکی در زمینه آینده‌پژوهی هویت صورت گرفته است؛ مطالعاتی که به آنان اشاره شد را می‌توان در چهار دسته تقسیم نمود: الف) هویت و جنسیت؛ ب) هویت اجتماعی در مراکز آموزشی؛ پ) بازاندیشی در هویت زنانه؛ ت) راه‌کارهای تقویت هویت اجتماعی زنان در نهاد آموزشی؛ در حالی که در این پژوهش به تحول هویت اجتماعی زنان در نهاد دانشگاه پرداخته شده است. مطالعات پیشین را از حیث روش‌شناسی می‌توان به دو دسته کمی و کیفی تقسیم کرد؛ بیشتر مطالعات با استفاده از روش کیفی و تکنیک مصاحبه بودند. در این مطالعه به روش کیفی و آینده‌پژوهی پرداخته شده است که در پژوهش‌های پیشین از آینده‌پژوهی استفاده نشده است. در پژوهش‌های مختلف نظریات مختلفی در مورد هویت

اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است که این نظریات بیان‌کننده هویت‌های زنان به صورت پراکنده، و ترکیب و تلفیق هویت‌های مختلف آنان است، این امر گاهی منجر به تعارض هویت زنان شده است. اما آنچه در این بحث اهمیت دارد تعاملات و بررسی تغییرات هویتی زنان در فضای دانشگاه است. همچنین آنچه در پژوهش‌های پیشین تا حدودی مورد غفلت قرار گرفته است تغییر و تحول زنان از نگاه خود زنان و بررسی گفتگوها، گفتمان‌ها، ایدئولوژی، استعاره و اسطوره از نگاه خود زنان در مورد هویت اجتماعی آنان در نهاد دانشگاه است که در پژوهش‌های پیشین مورد بررسی قرار نگرفتند؛ از سوی دیگر تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های پیشین در این است که علت اجتماعی هویت اجتماعی زنان از دیدگاه خود زنان در نهاد آموزشی در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روش پژوهش

این پژوهش یک پژوهش کیفی است که با استفاده از تکنیک آینده پژوهی انجام شده است. یکی از مراحل آینده پژوهی تحلیل لایه‌ای علی (CLA)، است. تحلیل لایه ای علی یک روش و نظریه پژوهشی جدید است و به دنبال ترکیب و یکپارچه‌سازی دیدگاه‌های تجربی، تعمیری، انتقادی و یادگیری حین عمل است. کاربرد این روش در توسعه سیاست‌ها و راه‌حل‌های موثرتر، عمیق‌تر، جامع‌تر و بلندمدت‌تر است. تحلیل علی لایه‌ای شامل چهار لایه است: لیتانی^۱، علل نظام‌مند^۲، گفتمان / جهان‌بینی^۳ و اسطوره / استعاره‌ها؛ البته، به منظور فهم بهتر آن‌ها از نماد کوه یخ استفاده می‌شود که در آن سطح لیتانی قابل رویت بوده و سطوح بعدی زیر آب قرار گرفته است. بر این اساس، رویت و بررسی آن کار دشوارتری است (همتی عقیف، ۱۳۹۸: ۲۱۹).

پژوهش از نظر هدف اکتشافی بوده و با استفاده از روش کیفی و نیز گردآوری از طریق ابزار مصاحبه‌ی عمیق انجام گرفته است. در این پژوهش، در ابتدا با استفاده از پیشینه و مبانی پژوهش پروتکل مصاحبه براساس بررسی وضعیت موجود هویت اجتماعی زنان در نهاد دانشگاه در ایران تهیه شد. سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، پرسش‌هایی از جامعه‌ی آماری پژوهش به عمل آمد. جامعه‌ی آماری این پژوهش، اساتید دانشگاه، خبرگان و متخصصان علوم اجتماعی و مسئولین و متصدیان خوابگاه که دارای تحصیلات آکادمیک بوده و با سابقه‌ی فعالیت‌های تحقیقاتی یا عملی در حوزه مذکور دارند. حجم نمونه براساس اشباع نظری برابر با ۱۸ نفر است. مبنای مصاحبه‌های انجام شده، تحلیل آینده‌ی هویت اجتماعی زنان در ذهن خبرگان بود چنانچه با استفاده از ابزار مصاحبه نظرات ۱۸ نفر از آن‌ها در حوزه‌ی هویت اجتماعی زنان جمع‌آوری شد. مصاحبه‌ها در ۱۳ نفر به اشباع رسید. اما به‌منظور اطمینان بیشتر تا ۱۸ نفر ادامه پیدا کرد. ۸ نفر از این خبرگان دارای مدرک دکترا تخصصی و عضو هیئت علمی بودند. ۳ نفر در حال تحصیل در مقطع دکترا در زمینه

1. litany

2. social causes

3. discourse/world-view

4. myth/metaphor

رشته جامعه‌شناسی بودند. ۷ نفر از این افراد در مقاطع مختلف و در رشته‌های گوناگون که کارمندان، مسئولین و متصدیان خوابگاه را تشکیل دادند. انتخاب این خبرگان با روش نمونه‌گیری هدفمند یا قضاوتی صورت گرفت. به منظور طراحی پروتکل مصاحبه از مرور ادبیات، تکنیک پستل و WIH5 سوال استفاده شد. سوالات به نحوی طراحی گردید که هویت اجتماعی زنان در ۲۰ سال آینده از مخاطب پرسیده شود. از محدودیت‌های پژوهش اطلاع نداشتن در مورد موضوع پژوهش، تاحدودی پیش بینی ناپذیری هویت اجتماعی زنان در نهاد دانشگاه بوده است. از سوی دیگر عدم دسترسی به پژوهشگران در این حوزه بوده است. این محدودیت به دلیل شرایط ویروس کرونا و عدم حضور مصاحبه شونده‌ها بوده است. در این زمینه دیدگاه تفوریک به همراه سابقه کار و رشته در زمینه هویت اجتماعی زنان برای افراد مصاحبه شونده مدنظر قرار گرفت. مصاحبه‌شوندگان دارای اطلاعات، مقالات و کارهای پژوهش در این زمینه بودند و با آنان ارتباط مستقیم صورت گرفت.

تحلیل لایه‌ی اول (لیتانی)

پرسش اساسی سطح لیتانی آن است که عینی‌ترین وجوه باورها، آرزوها و عقاید مربوط به آینده کدامند؟ پس از بررسی دوباره متن مصاحبه‌ها و مرور چندین باره‌ی آن‌ها موارد جدول ۲- به عنوان پارامترهای سطح لیتانی استخراج گردیدند.

جدول ۲. تحلیل در سطح لیتانی

راهکارها	مقوله فرعی	مقوله اصلی	ردیف
<ul style="list-style-type: none"> - به وجود آوردن مکانیسم‌های هویت‌ساز در نهادهای اجتماعی با کمک خانواده، دانشگاه‌ها و رسانه - آشنایی زنان با نقش‌های جدید و آگاهی دادن به آنان در این زمینه توسط رسانه‌ها، نهادهای مختلف - شناسایی خطرات و آسیب‌های منفی تغییر هویت و آموزش در این زمینه از طریق نهادهای آموزشی - تعیین قانون در سطح کشور برای تغییر هویت سنتی نظام ارزشی جامعه 	<ul style="list-style-type: none"> - چندگانگی و شکاف هویتی در دانشگاه - بلاتکلیفی در هویت و تلاش برای تعدیل هویت - تعدد نقش‌های نامتجانس - نوآوری در دانشگاه و تغییر هویت - تغییر رویه‌های زندگی گذشته - بازاندیشی مداوم و مستمر - بازتعریف هویت اجتماعی جدید - تضاد و آشفتگی در اهداف و ایده‌آل - مقاومت و مخالفت با هویت سنتی - تعارض در هویت - جریان‌ات مدرنیته و جریان نوسازی و تاثیر آن بر تحول هویت - کسب منابع هویت‌ساز - هویت مدرن بحران‌زا و تخریب‌زا 	بازاندیشی هویت در حال گذر	۱

	<ul style="list-style-type: none"> - تغییر همزمان هویت با قبولی در دانشگاه - تعریف خود در فضای جدید و از یاد رفتن گذشته 		
<ul style="list-style-type: none"> - از بین بردن کلیشه‌های جنسیتی و بازنگری در آن توسط مراکز آموزشی - تشکیل انجمن گوناگون از زنان و مردان در رابطه با جنسیتی شدن - نهادینه کردن برابری فرصت زنان و مردان توسط قانون‌گذاران کشور 	<ul style="list-style-type: none"> - مقاومت در برابر تصویر ضعیف زنانه در دانشگاه - از بین رفتن تقسیم کار جنسیتی - از بین رفتن هویت فرودست برای زنان - بازاندیشی در کلیشه‌های جنسیتی - پویایی جنسیتی و سازگاری خلاقانه - فرصت‌های برابری زن و مرد 	از بین رفتن کلیشه‌های جنسیتی و بازنگری در آن	۲
<ul style="list-style-type: none"> - تغییر نظام ارزشی جامعه مبتنی بر هویت سنتی - از بین بردن اختلالات هویتی و تداخل نقش در نتیجه ارتباطات انسانی در مراکز آموزشی - نشان دادن و گفتگو با زنانی که توانسته‌اند بین هویت متفاوت ارتباط برقرار کنند در جهت تقویت هویت زنان در دانشگاه 	<ul style="list-style-type: none"> - تعامل و تقابل با دیگران - عادی شدن تماس با دیگران - کاهش روابط با خانواده و افزایش روابط با افراد غیر از خانواده - آگاهی از هویت خود و دیگران - کنش‌های جدید و از بین رفتن کنش گذشته - چالش نمادین و سیال و پویا از عملکردهای اجتماعی - اراده قوی در ارتباطات - تعامل و مدارای فرهنگی - کمرنگ شدن قوم‌گرایی - معاملات هویت روزمره 	همرنگی و همنوایی با جامعه	۳

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که در سطح لیتانی ۳ مولفه ظاهر شده است. مولفه‌های ۳ گانه از مطالعه‌ی چند باره‌ی تم‌های اصلی و فرعی حاصل از تحلیل‌تم که از مصاحبه‌های حاصل شده، به دست آمدند. این سه مولفه عبارتند از: باز اندیشی هویت در حال گذر، از بین رفتن کلیشه‌های جنسیتی و بازنگری در آن و هم‌رنگی و هم‌نوایی با جامعه. مولفه‌های ذکر شده باورها و تصاویری از آینده تحول هویت اجتماعی زنان در نهاد دانشگاه را نشان می‌دهند. جنکینز و گیدنز معتقدند فرآیندهای هویت‌یابی و هویت‌سازی در دوران مدرن را با در نظر گرفتن تاثیرات دو سویه افراد و ساختارهای اجتماعی می‌توان تبیین کرد. تحصیلات دانشگاهی شرایطی را برای افراد فراهم می‌آورند که افراد به تامل و بازاندیشی درباره خود بپردازند. هویت افراد در موقعیت گوناگون سیال و تغییر پذیر است. درگیری خلاق با دیگران و با دنیای عینی از مولفه‌های

اساسی رضایت درونی بوده که برخوردار از محیط و نحوه اجتماعی شدن تاثیر زیادی بر هویت اجتماعی افراد دارد. افراد نقش‌های اجتماعی متعددی را بر عهده دارند و تابع عضویت در نهادها و گروه‌های گوناگون هستند.

برنارد و اسپنسر معتقدند در رویکردهای سنتی درکی ثابت و یکدست از هویت وجود دارد که عمیقا تحت تاثیر عناصر و مولفه‌های جمعی و گروهی است پس ابعاد فردی هویت بدون در نظر گرفتن ابعاد جمعی آن قابل فهم است. بسیاری از رده‌بندی‌ها و گروه‌بندی‌های نهادی براساس جنسیت صورت می‌گیرد. جنسیت فرصت‌ها و تجربیات زندگی را تحت شعاع قرار می‌دهد (ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۳۸۳: ۱۵۲).

تحلیل لایه دوم (علل اجتماعی)

لایه دوم، نظام و علل اجتماعی که شامل عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی می‌شود، در بر می‌گیرد. در این لایه تحلیل‌های معطوف به داده‌های لایه اول در خصوص آینده قرار دارند. داده‌های کمی لایه اول با استفاده از بررسی همبستگی متغیرها، برازش داده‌ها بر یک نظریه خاص به مثابه یک چشم‌انداز در لایه دوم مورد بررسی و اقدام قرار می‌گیرند. در این لایه می‌توان چشم‌اندازها را محک زد و نقد نمود و افزون بر آن نظریات بدیل را در آن واکاوید.

جدول ۳. تحلیل در سطح علل اجتماعی

ردیف	مقوله اصلی	مقوله فرعی	راهکارها
۱	تغییر ساختار معنایی	- انتقاد به هویت سنتی - ارزش و آرمان‌های جدید - ذهنیت خلاق و آزادی در انتخاب هویت - آگاهی نسبت به موقعیت زنان در جامعه - آگاهی از حقوق اجتماعی و انسانی	- برقراری پیوند میان هویت سنتی و مدرن از سوی زنان - ایجاد فرصت در دانشگاه برای آگاهی از حقوق انسانی زنان
۲	مشارکت زنان در فعالیت اجتماعی	- تعاملات و تحولات هویتی زنان - حضور بیشتر زنان در دانشگاه - تاثیر تجربه دانشگاه بر ذهنیت و افکار - نیل به هویت اجتماعی ارزشمند از طریق تحصیلات	- از بین بردن موانع فرهنگی، اجتماعی و سازمانی در زمینه مشارکت زنان در فعالیت اجتماعی
۳	اقدام آگاهانه جمعی	- اعتراض نابرابری حقوقی میان زن و مرد - بهره‌مندی بیشتر از قدرت و ثروت - مقاومت در برابر خواری و بندگی	- به وجود آمدن نگرش برابری حقوقی زن و مرد و به رسمیت شناختن حقوق زنان در سطح جامعه توسط مشاوران و برنامه‌ریزان دولتی
۴	مدرنیته	- تغییر نقش‌های جنسیتی - افزایش شهرنشینی و صنعتی شدن - افزایش آگاهی در زمینه تغییر هویت	- آگاهی به زنان در زمینه انتخاب هویت مناسب و جلوگیری از به وجود آوردن هویت‌های گوناگون و متکثر

	- آگاهی به کسب استقلال		
	- نشان دادن هویت‌های مختلف		

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که ۴ سطح به عنوان علل اجتماعی نشان داده شدند. این مولفه‌ها به ترتیب علت‌های اجتماعی مولفه‌های سطح لیتانی را بیان می‌کنند و می‌توانند از علل اجتماعی به وجود آمدن تحول هویت اجتماعی زنان باشند. این چهار سطح عبارتند از: تغییر ساختار معنایی، مشارکت زنان در فعالیت اجتماعی، اقدام آگاهانه جمعی و مدرنیته. ژانه بر این باور است که در دوران مدرن در هویت زنان سرگردانی به وجود آمده است و این هویت سرگردان ناشی از تغییر هویت آنان از سنتی به مدرنیته است. در طول تحصیلات دانشگاه زنان تا حدودی دیگر وابسته به زمان و مکان نیستند و به سمت مدرنیته پیش می‌روند و زنی که در گذشته بی‌سواد بود، روزنامه نمی‌خواند و کار نمی‌کرد با ورود مدرنیته دیگر به دانشگاه می‌رود، کار می‌کند و برای تقویت حقوق زنانه‌اش می‌جنگد. در این ارتباط براساس نظریه برگر (۱۳۸۱) جهان مدرن است و برنامه‌ریزی‌های چندگانه‌ای نیز برای افراد وجود دارد پس فرد در حال تغییر هویت و به وجود آوردن هویت چندگانه است.

از طرف دیگر علاقه به تحصیل باعث تغییر ساختار هویت زنان شده است؛ تغییرات در ساختارهای اجتماعی در انتخاب، نوع نگرش و کنش زنان قابل تامل است و هویت زنان بر ساخته گفتمان‌های مختلف است که این گفتمان‌ها معنای هویت زنان را تغییر داده‌اند. در این ارتباط هال و باومن (۲۰۰۰) معتقدند هویت به مثابه فرآیندی تشخیص‌یاب و مشروط به واقعیت در کنش‌های متقابل خاص ساخته شده و تغییر می‌کند و معنای آن از حالت یکدست و دائمی به چندگانه و متقاطع تبدیل می‌شود. دانشگاه و مراکز آموزش عالی از جمله ساختارهای نهادی هستند که افراد در فضای اجتماعی آن با یکدیگر در تقابل هستند. احساس تعلق زنان به دانشگاه بر مبنای ارزش‌ها، هنجارها مشترک بین مردم است به گونه‌ای که اعضای جامعه را از جوامع دیگر متمایز می‌کنند.

تحلیل لایه سوم (گفتمان، جهان‌بینی و ایدئولوژی)

جهان‌بینی، ساختار و گفتمان که از ساختار حمایت کرده و عهده‌دار مشروعیت آن است. آینده پژوهی می‌تواند گفتمان‌های مختلف شکل‌دهنده آینده را کشف کند و نشان دهد چگونه گفتمانی که برای فهم مسائل به کار گرفته می‌شود، در پیکربندی خود آن مسئله نقش دارد. در این لایه این پرسش مطرح می‌شود که کدام جهان‌بینی، کدام ایدئولوژی و کدام گفتمان غالب در جامعه‌ی کنونی جاری است که باعث می‌شود چنان مسائل اجتماعی سر برآورند و در جهت آنها به آنچنان تصاویر غالبی در سطح لیتانی برسیم.

جدول ۴. تحلیل در سطح گفتمان، جهان‌بینی و ایدئولوژی

راهکارها	مقوله فرعی	مقوله اصلی	ردیف
- عموم قانون‌گذاران و مجریان به افراد جامعه این را گوشزد کنند که مردان و زنان در تمامی ابعاد با هم برابر هستند. - کانون گرم خانواده تقویت شود	- فقدان هویت جنسی - دارا بودن تنها نقش مادر و همسر - داشتن کانون گرم خانواده - نداشتن اراده در ارتباط با دیگران - آداب و رسوم سنتی	هویت گذشته: هویت سنتی	۱
- هنگامی که کارهای حرفه‌ای بر عهده زنان باشد، طرز فکر آنان بیشتر مورد مباحثه قرار می‌گیرد.	- برابری زن و مرد - هویت مبتنی بر نژادگرایی - اهمیت دادن به حوزه‌های حرفه‌ای - پذیرش آثار فکری زنان - سبک زندگی مدرن	هویت حال: هویت مدرن	۲
- زنان می‌توانند با آگاهی از موقعیت خود در جامعه و عدم پذیرش ارزش‌های سنتی تلاش کنند در خود بازاندیشی داشته باشند و هویت مناسب را انتخاب کنند. - برنامه‌ریزی برای افزایش کمی و کیفی اوقات فراغت زنان نیازمند دقت و احتیاط زیادی است و این امر باید از سوی ارگان‌ها و دولت مورد توجه قرار گیرد.	- تاکید بر هویت جنسی برابر طلب - گرایش به جامعه مدنی - اوقات فراغت متنوع و فردی - تقابل و مبارزه	هویت آینده: هویت پست مدرن	۳

در ادامه به مولفه‌های استخراج شده در سطح سوم CLA پرداخته شده می‌شود. این مولفه‌ها: هویت سنتی، مدرن و پسامدرن هستند.

هویت سنتی: هویت در جوامع سنتی و ماقبل مدرن، مقوله‌ای چندان پیچیده و مساله‌ساز و مناقشه‌چندان در آن صورت نمی‌گیرد. لارنس استرن (۱۷۶۸) معتقد است هویت هر شخص مقوله‌ای ثابت، از پیش تعیین شده و عاری از تناقض است و رخساره‌های اجتماعی و فرهنگی که سنت، هویت، مبین نقش‌های اجتماعی از پیش تعیین شده است. همچنین به طور جدی حدود و ثغور قلمرو اندیشه و رفتار تک تک افراد نیز تعیین می‌کند (نوذری، ۱۳۸۵: ۱۲۹).

هویت مدرن: هویت مدرن در مقابل هویت سنتی قرار دارد. هیوم (۱۷۷۶) معتقد است هویت شخصی یا جوهره‌ی روانی را باید با عنایت به مقوله‌ی تجربه و فراتر رفتن از آن دید. آزادی کنش مناسب خواسته انسان و در نقطه مقابل موانع قرار می‌گیرد. هانری و برگسون (۱۹۴۱) هویت مدرن را هویت جمعی و برساخته در حال می‌دانند که عناصر ترکیبی آن از گذشته گرفته شده است (همان).

هویت پسامدرن: از منظر پست مدرن، سرعت و پیچیدگی جوامع مدرن افزایش یافته است و هر لحظه بر شتاب آن افزوده می‌شود و در نتیجه هویت ناپایدار و شکننده‌تر می‌شود. در وضعیت پست مدرن هویت‌های کلان، تجویزی، یکپارچه و واحد به تدریج رنگ می‌بازند و در بستر مناسبات کثرت‌گرایانه، تردید آمیز و نسبی و دائمی و در حال تغییر و تحول هستند؛ هویت‌های جدید و نوظهور دیگری به وجود می‌آیند که تا پیش از این به چشم نمی‌آمدند این هویت‌ها در مقابل هویت قرار می‌گیرند.

تحلیل لایه چهارم (استعاره و اسطوره)

لایه چهارم، لایه استعاره و اسطوره است. در این لایه داستان‌ها و روایت‌های عمیق، طرحواره‌ها و تصاویر ذهنی مورد مدافعه قرار می‌گیرند که البته عمده این موارد جنبه احساسی دارند.

جدول ۵: استعاره و اسطوره‌ها

ردیف	مقوله اصلی	راهکارها
۱	- بهلول را گفتند اهل کجایی؟ گفت هنوز زن نگرفته‌ام	- بیشتر ضرب‌المثل‌ها هویتی مردانه دارند، باید در این زمینه سعی شود در رشته ادبیات و سایر رشته‌های مرتبط ضرب‌المثل‌های بیشتری راجع به زنان بیان شود.
۲	- زن کار بلد، تبری است در چله، نباید به حال خود بگذاریش	
۳	- غیرت به زنی و مردی نیست	
۴	- يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ بِيَاغِنِكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِفْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَعْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنْ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ	- زنان بیشتر هویت خود را از طریق فعالیت و توانایی فردی و از طریق ازدواج و خانواده کسب می‌کنند؛ در این زمینه باید دستورالعمل‌هایی از سوی دولت صورت گیرد که زنان بیشتر هویت خود را در جامعه به دست آورند.
۵	- طلب العلم فریضة علی کل مسلم ومسلمة	
۶	- إنا هدیناه السبیل إنا شاکراً وإما کفوراً	
۷	- ای تو پناه همه روز محن باز سپردم به تو من خوبستن	- بررسی نحوه و تاثیر رسانه بر هویت زنان و تاثیر آنان بر هویت زنان می‌تواند نقش مهمی را در تحول هویت زنان ایفا کند.
۸	- این کیست این؟ این کیست این؟ در حلقه ناگاه آمده این نور اللهیست این، از پیش الله آمده	

آخرین لایه در تحلیل لایه‌ای علی، سطح استعاره‌ها و اسطوره‌ها است که به عنوان عمیق‌ترین و پیچیده‌ترین سطح، جایگاه بیان احساسات است. پیچیدگی این لایه از چند منظر قابل بحث است؛ احساسات زمانی که به صورت جمعی مدنظر قرار می‌گیرند، پای محقق را به حوزه روانکاوی اجتماعی و بررسی ناخودآگاه جمعی باز می‌کند و دوم آنکه هر دو واژه اسطوره و استعاره خود پیچیده و چند بعدی هستند. تایلور معتقد است اسطوره، جامعه را هماهنگ می‌کند، ممکن است مسئله‌ی حقیقت را با اظهار این که جامعه هماهنگ است، نادیده گرفته باشد، به خصوص، هنگامی که اعضای آن، درست

یا غلط، باور داشته باشند قوانینی که تبعیت از آن‌ها از ایشان انتظار می‌رود، مدت‌ها پیش به وسیله‌ی نیاکان مورد ستایش‌شان بنیان نهاده شده‌اند. این نوع نظریه از حقیقت طفره می‌رود، چون پاسخ‌هایش به پرسش‌های خاستگاه و کارکرد، چنین می‌کنند (خواجه‌گیر، ۱۳۹۴: ۱۵۸). کوهن (۱۹۶۲) معتقد است استعاره در ساختمان نظریه‌ها، مدل‌سازی و ساختارهای الگویی علمی (پارادایم‌ها) نقش مهمی دارند. بر اساس آنچه از تحلیل لایه‌ای علی به دست آمد تحلیل اسطوره در ۸ مولفه صورت گرفته است. سه مولفه ضرب‌المثل هستند و سه مولفه دیگر آیه قرآن است و دو مولفه شعر است. ضرب‌المثل‌ها نشان می‌دهند که زن و مرد با هم برابر هستند و از لحاظ وجودی و پایگاه اجتماعی برابری آن‌ها بازنمایی می‌شود. از طرف دیگر زن هنرمند به عنوان موجودی با ارزش بازنمایی شده است که برای نگهداری آن باید بسیار هوشیار بود. مردان در بسیاری از ضرب‌المثل‌ها هویت بخش زنان هستند اما ضرب‌المثل‌هایی نیز وجود دارد که اقوام زن در اولویت قرار می‌گیرند و خواسته‌های آنان بر مرد برتری دارد؛ این امر به خاطر قدرت نفوذ زنان بر مردان است و مردان هم بدون زنان قدرت و هویت مستقلی از خود ندارند (کریمی، قلی‌پور و علیمرادی، ۱۳۹۹: ۷۸ - ۸۲). آیه‌های بیان شده در سطح چهارم نشان می‌دهند که اسلام تفاوتی میان زن و مرد قائل نیست و زنان را از آموزش و یادگیری منع نمی‌کند و فراگیری دانش و تزکیه نفس را به همه افراد مرد و زن که می‌خواهند به درجات عالی برسانند. قرآن تاکید می‌کند که زنان مسلمان، دوران زندگی خود را با غفلت و بی‌خبری و به دور از هر گونه ترقی و کمال، سپری کنند. در مورد هویت اجتماعی زنان باید گفت قرآن زنان را از حضور در اجتماع منع نکرده بلکه به آنها می‌گوید با حجاب و عفاف در اجتماع حاضر شوند. قرآن هیچ‌گاه زنان را از حضور در امور اجتماعی منع نکرده است.

نتیجه‌گیری

زنان در دانشگاه از هویت سنتی خود فاصله گرفته‌اند و هویتی جدید برای خود تعریف کرده‌اند اما دستیابی به هویت جدید به صورت همگون نیست؛ زیرا آنان به سطح بالایی از هویت جدید دست نیافته‌اند. تحصیلات نوعی تفکر بازاندیشانه و خرد انتقادی را در افراد تقویت می‌کنند. زنان در دانشگاه سعی می‌کنند، سیاست فرهنگی خود را در زمینه هویت کاهش داده و تحولی در تحقق به خویش در درون آنان به وجود آید. در نهاد دانشگاه تغییراتی در هویت زنان به وجود می‌آید که منشا خروج از الگوی سنتی و کسب هویت جدید و مدرن در بستر دانشگاه است. از این رو، در فرآیند تغییرات هویت زنان، فرآیندی از مدرن شدن رخ می‌دهد که بر حسب سیاست‌های فرهنگی رسمی تغییر کرده و شاید هویت درستی به دست نیاد و سردرگمی در آن وجود داشته باشد. این تغییر و تحولات نیازمند تفکر و تأمل است و نشان می‌دهد که هویت زنان در دانشگاه در افق ۲۰ ساله با دگرگونی و تغییر همراه بوده است. الگوهای تعامل زنان در دانشگاه نشان می‌دهد که زنان برای دستیابی به برابری جنسیتی تلاش می‌کنند و گفتمان‌های مختلفی را در این زمینه به وجود می‌آورند.

دانشگاه به مثابه نهادی اجتماعی قابل تامل است. تجربه هویت در دانشگاه بر ساختار فکری، هویتی و شخصیتی جامعه اثر دارد. این امر ناشی از خرده‌فرهنگ‌های گوناگون است که در دانشگاه وجود دارد. کیتسینگر بیان می‌کند زنان با گفتمان خودفعلیت‌بخشی در برابر گفتمان‌های غالب اجتماعی مقاومت می‌کنند (ویوین، ۱۳۹۴: ۱۶۴). خرده‌فرهنگ‌های گوناگون مهمترین ویژگی هویت زنان هستند که موجب بازاندیشی در هویت و در مرحله دوم ایجاد هویت بازاندیشانه می‌شود که دائماً در زنان بازنگری انتقادی به وجود می‌آورد. گیدنز (۱۳۷۸) معتقد است خود دگرگون‌یافته را باید از طریق کاوش‌های شخصی یافت و آن را به عنوان بخشی از فرآیند تماس متقابل بین تغییرات شخصی و اجتماعی ساخت. همچنین گافمن (۱۳۹۱) بیان می‌کند زنان بیشتر از هر چیز به روش‌های ایده‌آل‌سازی شده اجتماعی گرایش دارند و حضور زنان در عرصه دانشگاه برای تایید اجتماعی است.

نتایج در زمینه هویت اجتماعی زنان در نهاد دانشگاه در سطح ۴ گانه تحلیل لایه‌ای علی نشان داد که زندگی اجتماعی به مراتب سریع‌تر و متحول‌تر و پیچیده‌تر شده است و انسان هر روز با مطالبات و خواسته‌های بیش‌تری رو به رو است. در فضای آموزش عالی هویت‌های زیادی به وجود می‌آیند و از بین می‌روند؛ این فضا به منزله‌ی عرصه از بین رفتن هویت‌های قدیم و ظهور هویت‌های جدید است و هویت‌های قدیمی تجزیه و تحلیل می‌شوند و زنان مجبورند نقش‌های متنوعی داشته باشند.

از سوی دیگر افراد در آینده به سوی هویت انتقادی پیش می‌روند و آگاهی بیشتری نسبت به حقوق انسانی و اجتماعی پیدا می‌کنند (زندلی‌لطیفی، کریمی فیروجانی و احمدخانی، ۱۳۹۹: ۶۴۵). دانشگاه به گونه‌ای است که افراد در انتخاب و تغییر هویت خود آزاد هستند؛ در کل جریان آزاد اندیشی با دانشگاه در ارتباط است؛ زنان نقش‌های اجتماعی متعددی را برعهده دارند و در نهادها و گروه‌های مختلف فعالیت می‌کنند (رحمانی و طیبی‌نیا، ۱۳۹۷: ۱۴۱). در دانشگاه افراد همواره در حال پاسخ دادن و همگام شدن با محیط و تغییر آن هستند. زنان در طی فرآیند هویت‌یابی در مسیر ایده‌آل‌سازی شده اجتماعی نقش خود را با اطرافیان خود هماهنگ می‌کنند. هویت مدرن زنان به عنوان محصول نهایی مورد قضاوت دیگران قرار می‌گیرد و این امر با ورود مدرنیته خود را نشان داده است. در اثر مدرنیته شدن زنان فرهنگ‌های جدید، روابط و تعاملات جدید را تجربه می‌کنند.

رویکردهای مربوط به هویت به سه دسته هویت سنتی، هویت مدرن و هویت پسامدرن تقسیم می‌شوند؛ در هویت سنتی بیان شده است که فرد قرار است در زندگی آینده‌ی خود سرنوشتی محتوم با مسیری مشخص و از پیش تعیین شده داشته باشد و به این معنا، هسته اصلی هویت ماقبل مدرن یا هویت سنتی را تشکیل می‌دهد. انسان در رخساره‌های مذکور فاقد هر گونه دغدغه و نگرانی بابت کیستی و هویت بود؛ افراد در خصوص شان و منزلت خود یا نقش یا سلسله‌مراتب خود در دنیا دچار شک و تردید می‌شود. مفهوم هویت حال به منزله هویت مدرن به عنوان هویتی است که در مقابل گذشته قرار می‌گیرد و در حال به سر می‌برد. هانری و برگسون (۱۹۴۱) معتقدند که هویت مدرن گذشته به ارث برده و در خاطره یا حافظه وجود دارد و جزو درونی و ذاتی حال به شمار می‌آید. هویت حال از وجه فردی و اجتماعی تشکیل شده است؛

هویت در زندگی روزمره به صورت موضوعی مناقشه‌برانگیز باقی خواهد ماند؛ لیکن نظریه‌پردازان پست‌مدرن، هرگونه تلقی از «خود» را به عنوان مقوله‌ای اساسی و بی‌زمان نفی می‌کنند. ژاک لاکان و میشل فوکو معتقدند «خود» پایدار، باثبات و یکپارچه چیزی جز توهم نیست. نظریه‌پردازان پست‌مدرن معتقدند هویت مانند هر چیز دیگری در بازار کثرت‌گرایی و نسبیت‌گرایی ارزش‌ها و هنجارها قابل خریداری است.

در کل با توجه به نتایج پژوهش می‌توان گفت در اثر دگرگونی‌هایی که در جهان رخ داده، در نقش زنان تغییرات قابل توجهی به وجود آمده است. در اثر پیدایش ارزش‌ها و نگرش‌های جدید و آگاهی زنان به جایگاه واقعی‌شان، مقاومت‌هایی از سوی آنان برای تغییر هویت آنان صورت گرفته است. این مقاومت‌ها در دانشگاه جایگاه و هویت‌های اجتماعی جدیدی را برای زنان به وجود آورده است؛ تبیین این هویت‌ها از طریق شناسایی هویت اجتماعی آنان و تایید دیگران صورت می‌گیرد. نتایج حاصل از مصاحبه نشان داد که زیست جهان زنان ایرانی زیست جهان سنتی نیست و نابرابری قانونی و عرفی میان زنان و مردان طبیعی نیست و در زمان حال نقش آن کمرنگ شده است و در آینده از بین می‌رود. در آینده زنان ایرانی رفته رفته در سطوح وسیعی به بازاندیشی درباره موقعیت‌ها و هویت اجتماعی گذشته خود می‌پردازند.

منابع

امیرظاهری، امیر مسعود (۱۴۰۰). چالش‌های هویت اجتماعی زنان در فضای سایبری، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۹، ۹۴ - ۱۰۰.

برگر، پیتر (۱۳۸۱). *ذهن بی‌خانمان، نوسازی و آگاهی*، ترجمه محمد ساوجی، تهران: نشر نی.

پارسا نسب، محمد؛ شادروی‌منش، محمد؛ صادق‌پور، حافظ (۱۳۹۸). تحلیل هویت اجتماعی مانلی نیما براساس تحلیل انتقادی گفتمان، *فصلنامه نقد و نظریه ادبی*، سال ۴، دوره ۲، ۵۱ - ۷۴.

حاجیانی، ابراهیم؛ ایروانی، زهرا (۱۳۹۷). آینده‌پژوهی هویت ملی ایران در افق زمانی ۱۴۰۷، *فصلنامه‌ی مطالعات ملی*، سال ۷۶، شماره ۱۹، ۳ - ۲۰.

خواجه‌نوری، بیژن؛ مرادخانی، مهری؛ براتی، شهناز (۱۳۹۸). مطالعه رابطه سبک زندگی و هویت اجتماعی زنان (مورد مطالعه: زنان شهر ایلام)، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال ۱۵، شماره ۱، ۱۴۳ - ۱۶۸.

جنکینز، ریچارد (۱۳۹۹). *هویت اجتماعی*، ترجمه‌ی نازنین میرزابیگی، تهران: نشر آگاه.

درستکار، آرنوش؛ صابری، هایده؛ باقری، نسرين (۱۳۹۸). ارائه مدل ساختاری مشارکت اجتماعی بر مبنای خودکارآمدی، هویت اجتماعی و تاب‌آوری بر اساس نقش میانجی‌گری امید، *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، سال ۶۲، ۴۹۵ - ۵۰۲.

رحمانی، جبار؛ طیبی‌نیا، مهری (۱۳۹۷). فرآیند تحول هویت اجتماعی زنان در تجربه گفتمانی نهاد دانشگاه (مورد مطالعه: زنان متاهل، شاغل و دانشجو)، *فصلنامه جامعه‌شناسی نهاد اجتماعی*، سال ۵، شماره ۱۱، ۱۲۳ - ۱۵۱.

زندگی، بهمن؛ لطیفی، آناهیتا؛ کریمی فیروزجانی، علی؛ احمدخانی، محمدرضا (۱۳۹۹). دگردیسی هویت و تغییر نام اشخاص: یک بررسی نام‌شناختی اجتماعی، *مطالعات تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۹، شماره ۳، ۶۴۱ - ۶۶۴.

شمس، محمد علی؛ شمسانی، سعیده (۱۳۹۸). تبلیغات و هویت اجتماعی زنان ایرانی: تحلیل انتقادی گفتمان کلامی و بصری در آگهی تجاری، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، دوره هشتم، شماره ۱، ۵۹ - ۸۳.

فریدونی، سمیه (۱۳۹۳). *روایت دختران از زندگی دانشگاهی (نظریه‌ی بومی تواناسازی زنان از طریق آموزش عالی)*، تهران: نشر شیرازه.

فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۸). *هویت (سیاست هویت کنونی و مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن)*، ترجمه‌ی رحمن قهرمان‌پور، تهران: انتشارات روزنه.

قلی‌پور، آرین؛ رحیمیان، اشرف و میرزمانی، اعظم (۱۳۸۷). نقش تحصیلات رسمی و اشتغال سازمانی در توانمندسازی زنان تهران، *پژوهش زنان*، سال ۶، شماره ۳، ۱۱۳ - ۱۳۲.

قلی‌پور، آرین؛ اسماعیلی، ندا؛ قلی‌پور، فتانه (۱۳۹۸). مدیریت هویت؛ شناسایی راه‌کارهای تقویت هویت اجتماعی زنان در نهاد آموزشی، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، دوره ۸، شماره ۴، ۱۲۱ - ۱۴۰.

عنایت‌الله، سهیل؛ میلوبه‌بیج، ایرانا (۱۳۹۶). *آینده پژوهی با روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها*، ترجمه‌ی مریم یوسفیان و مهدی مبصری، تهران: انتشارات شکیب.

علیرضانژاد، سهیلا (۱۳۹۷). *زن کشاورز یا زن خانه‌دار: مطالعه‌ای در باب تحول نقش‌ها و هویت اجتماعی زنان روستایی*، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۱۲، شماره ۱، ۸۲ - ۱۰۴.

لطف‌آبادی، محسن (۱۳۹۹). نقش جغرافیا در هویت ایران دوره ساسانی، *مطالعات فرهنگ و ارتباطات*، دوره ۲۱، شماره ۳، ۲۳ - ۳.

کریمی، جلیل؛ قلی‌پور، سیاوش؛ علیمرادی، زینب (۱۳۹۹). بازنمایی هویت زن در ضرب‌المثل‌های لکی، *فصلنامه علمی جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر*، دوره ۲، شماره ۴، ۶۵ - ۸۸.

کیانی، مؤده؛ نجفی، سیامک (۱۳۹۷). اعتماد اجتماعی و هویت اجتماعی؛ بازاندیشی در هویت اجتماعی زنان تحصیلکرده مورد مطالعه دانشگاه تبریز، *فصلنامه زن و جامعه*، سال ۹، شماره ۲، ۲۷۵ - ۲۹۳.

معروف‌پور، مینا؛ سفیری، خدیجه (۱۳۹۷). تبیین جامعه‌شناختی عوامل موثر بر تعارض هویتی زنان شهر نقده، *فصلنامه زن و خانواده*، دوره ۶، شماره ۲، ۲۲۵ - ۲۵۵.

میمنت‌آبادی، قباد؛ تاجیک اسماعیلی، سمیه؛ هاشمی، شهناز (۱۳۹۹). نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در تحول هویت (مورد مطالعه: شهروندان سنندج)، *فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی*، سال ۹، شماره ۳۵، ۵۱ - ۷۸.

نمازی، محمد مهدی؛ فرهمند، مهناز (۱۳۹۹). بررسی عوامل میدانی مرتبط با هویت دانشگاهی، *فصلنامه علوم اسلامی انسانی*، دوره ۶، شماره ۲۲، ۲۷ - ۴۲.

نوذری، حسینعلی (۱۳۸۵). نگاهی تحلیلی به روند تحول مفهوم هویت در قالب‌های سه‌گانه هویت سنتی، مدرن و پست مدرن، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۷، شماره ۲.
همتی عقیف، علی (۱۳۹۸). آینده‌نگاری ورزش با تکیه بر مبانی اسلامی (روش تحلیل علی - لایه‌ای)، پژوهش‌های علم و دین، سال دهم، شماره ۱، ۲۰۵ - ۲۳۰.

- Bourcier, B, Corinne, C, Moal, G (2021). The old and the beautiful: senior women's exposure to models in advertisements and the impact on their identity, *Journal of Consumer Marketing*, 38 (4), 747- 751.
- Blount-Hill, K. L. (2021). Exploring a Social identity theory of Shared narrative: insights from resident Stories of police contact in Newark, new Jersey, and Cleveland, Ohio. *Criminal Justice and Behavior*, 48(6), 810-827.
- Coon, D. (2019). *Essentials of psychology: Exploration and application*. New York: Wadsworth/Thomson Learning.
- Hall, S. Held, D. Hubert, D. & Kenneth T (2000). *Modernity an introduction to modern societies*. Black well Publishers Inc.
- Hogg, M (2020). *Social identity theory* (pp. 112-138). Stanford University Press.
- Huddy, L. (2011). From social to political identity: A critical examination of social identity theory. *Political psychology*, 22(1), 127-156.
- Hogg, M. A. (2011). A social identity theory of leadership. *Personality and social psychology review*, 5(3), 184-200.
- Hao, X, Mai, Sh (2020). Older women's identity reconstruction in leisure spaces: a case of Guangzhou, China, *Journal Leisure Studies*, 39 (3), 417 – 432.
- Isaak, B. (2021). *Alienating: How the portrayal of Muslim women in US media affects Muslim women's social identities* (Doctoral dissertation).
- Lonsdale, A. J. (2021). Musical taste, in-group favoritism, and social identity theory: Re-testing the predictions of the self-esteem hypothesis. *Psychology of Music*, 49(4), 817-827.
- Lai, Y. L., & Smith, H. (2021). An investigation of the three-way joint coaching alliance: A social identity theory perspective. *Applied Psychology*, 70(2), 489-517.
- Liu, C., & Kozinets, R. V. (2021). Courtesy Stigma Management: Social Identity Work among China's 'Leftover Women'. *Journal of Consumer Research*.
- McLeod, S. (2018). Social identity theory.
- Maxwell-McCaw, D., Leigh, I., & Marcus, A. (2021). Social identity in Deaf culture: A comparison of ideologies.

- Matthews, D., Cryer-Coupet, Q., & Degirmencioglu, N. (2021). I wear, therefore I am: investigating sneakerhead culture, social identity, and brand preference among men. *Fashion and Textiles*, 8(1), 1-13.
- Steffens, N. K., Munt, K. A., van Knippenberg, D., Platow, M. J., & Haslam, S (2021). Advancing the social identity theory of leadership: A meta-analytic review of leader group prototypicality. *Organizational Psychology Review*, 11(1), 35-72.
- Perry, E., Mandy, W., Hull, L., & Cage, E. (2021). Understanding camouflaging as a response to autism-related stigma: A Social Identity Theory approach. *Journal of Autism and Developmental Disorders*, 1-11.
- Rato, D., & Prada, R. (2021). Towards social identity in socio-cognitive agents. *Sustainability*, 13(20), 113- 90.
- Owen, M (2017). Changing identities: two years on with Women's Studies, Chapter Into the Melting Pot, 9, eBook ISBN: 9780429450334.
- Khamis, S (2020). Arab Women's Changing Identities, Activisms and Resistances in a Changing Region, *Cyber Orient*, 8 (1), 4 -6.
- Kevin, M, Caricati, L, Rubin, M, Matos, A, Spears, R (2021). Why do women support socio- economic systems that favor men more? A registered test of system justification- and social identity- inspired hope explanations, *Multivariate Behavioral Research*, 45, 661-701.
- Williams, M. G., & Lewis, J. A. (2021). Developing a Conceptual Framework of Black Women's Gendered Racial Identity Development. *Psychology of Women Quarterly*, 45(2), 212-228.

Future Studies on the Transformation of Women's Social Identity within the University Institution (Using Causal stratified analysis Approach)

Neda Khodakarmian Gilan,¹ Mohsen Niazi⁴

Future studies encompass a set of efforts that, through the exploration of resources, patterns, and factors of change or stability, envision potential futures and plan for them. Futures studies reflect how the reality of 'tomorrow' emerges from the midst of the changes of 'today.' The development of higher education institutions creates opportunities for women's presence in universities by stimulating demand and competition. The university institution has led to a reevaluation of women's identity, and their identity is constantly evolving. The aim of this research is future studies on the transformation of women's social identity within the university institution, an area that has not been extensively explored to date. Therefore, it is innovative in terms of both its subject matter and its dominant approach.

The research population consisted of experts in the field of sociology and university staff. The sample size was 18 individuals, and the data collection tool was interviews. After conducting the interviews and implementing thematic analysis, the main and sub-themes were extracted. Subsequently, using Causal stratified analysis method, their components and dimensions were identified at four levels: the latent, social reasons, discourse, and mythology.

The research findings, through these four levels, indicate that the university environment continually prompts women to reconsider their identity, a trend expected to persist in the future. Women, utilizing various discourses, resist the existing inequality between men and women, and through their continued resistance, gender equality is projected to become a normal occurrence in the future. The structural meanings of women in the university have changed, and women are increasing their activities in the social sphere. In this process, modernization has had a significant impact.

Key words: Futures Studies, Social Identity, Women, Thematic Analysis, Higher Education Institutions

¹ . Ph. D Student, Department of Social Sciences, Kashan University, Kashan, Iran. Email: (n.khodakaramian.g@gmail.com)

⁴ Full Master Department of Social Sciences, Kashan University, Kashan, Iran. Email: niazim@kashanu.ac.ir